تحمل قرائات مختلفه، علت انتخاب خط مصحف عثمان

- تحمل قرائات مختلفه، علت انتخاب خط مصحف عثمان
- شاهد اول: «سلام علی آل یاسین»
- شاهد دوم: «اهدنا الصراط المستقیم»
- شاهد سوم: «رحمت الله» و «بقیت الله»

تحمل قرائات مختلفه، علت انتخاب خط مصحف عثمان

این نکته بسیار مهمی است، و لذا مغاربه بر رسم المصحف مواظبت داشتند؛ مالک هم که گفته «اکتبوا» یعنی اگر بخواهی به خط جدید بنویسی جبرا مطابق یکی میشود و بعضی از قرائات از بین میرود، لذا مالک گفت نه. به این خاطر است که وقتی از او میپرسیدند، قرائات دیگر را هم اجازه میداد و میگفت مصحف را همینطور بنویسید. حال شما کتب رسم المصحف را نگاه کنید. میگویند رمز رسم المصحف با اینکه بعضی از جاهایش خیلی عجیب و غریب میآید، برای این بوده که تمام قرائات مختلفه را سامان دهد.

شاهد اول: «سلام علی آل یاسین»

«آل یاسین» را ببینید؛ تمام مصاحفی که عثمان نوشته بود؛ تفسیر را ببینید؛ تمام مصحف هایی که عثمان به مکه، کوفه، شام و ... فرستاد نوشته بود «سلام علی ال یاسین». یعنی «آل» حتماً منفصل بود. در تمام مصاحف ناسخ عثمان آن را جدا نوشت. چرا؟ به‌خاطر اینکه کسی که «آل یاسین» می‌خواند اگر متصل نوشته بود، دیگر نمی‌توانست «آل یاسین» بخواند. جدا نوشت تا کسی هم که قرائتش «آل یاسین» بود بتواند «آل یاسین» بخواند. بعد چه کار کرد؟ گفت مقرای که سندش «ال یاسین» است، می‌خواند «ال یاسین». همچنین در آیه «فَمَا لِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ[1]»، «ل» جدا است. یکی از فنون مهم رسم المصحف انفصال و اتصال است؛ کاتب کجاها وصل کرده و کجاها منفصل نوشته و چرا.

---

[1] المعارج : ۳۶

شاهد دوم: «اهدنا الصراط المستقیم»

خب دیدگاه‌های ساده همین است؛ یکی می‌گوید بی سواد بوده‌اند؛ خط ضعیف بوده و ... . عده‌ای دیگر می‌گویند این رسم هم به امر جبرئیل بود و توقیفی است. طرفداران حسابی دارد و امر خدا است. نه اینکه ناسخ نوشته باشد. این آقایانی هم که بینا بین گرفته‌اند یک طیفی را تشکیل می‌دهند. یکی از آن‌ها همین است. مثلاً خود ابن جزری هم می‌گوید: وقتی در سوره مبارکه حمد به «صراط» رسید، چه کار کرد؟ با «صاد» نوشت. و حال آنکه همانطور که در عروه هم داریم «یجوز قرائة الصراط بالسین و الصاد»، و قراء سبعه هم برخی به سین خوانده‌اند و برخی به صاد، خب چرا ناسخ به صاد نوشت؟ برای در این آقایان عرض می‌کنم؛ آیا این حرف درست است که بگوییم در زمان عثمان وقتی عرب ها برای خودشان همه نامه می‌نوشتند، اگر می‌خواستند صراط بنویسند با صاد می‌نوشتند. خب غلط می‌گوییم. اگر کسی وارد باشد؛ حتی اگر به دکتر غانم قدوری بگوییم می‌گوید که راست می‌گوییم، وقتی زمان عثمان عرب در نامه هایشان به این صورت می‌نوشتند، آن‌ها به سین می‌نوشتند چون این کلمه اصلاً با صاد نبود. لغت‌ها را ببینید. الآن هم صراط را با سین می‌نویسید و معنا می‌کنید.

خب چرا به صاد نوشت؟ ابن جزری و سائرین توضیح دادند؛ گفتند ناسخ گفت من می‌دانم که در خط باید به سین نوشت، اما ما قرائت صاد هم داریم؛ اگر من به سین بنویسم قرائت صاد کلاً محو می‌شود. من به صاد می‌نویسم ،ولو خلاف لغت است، برای اینکه قرائت صاد حفظ شود و سین هم که زبان عرب است و همه می‌خوانند.

پس مقری وقتی به «اهدنا الصراط» می‌رسد، ولو از قراء سبع است، مثلاً سه نفر از آن‌ها می‌گوید ای شاگرد من صاد بخوان؛ «اهدنا الصراط». مقرای که سین می‌خواند می‌گوید درست است که با صاد نوشته اما تو سین بخوان. چرا می‌تواند سین بخواند؟ چون زبانشان است. اینها مطالب بسیار مهمی در این فضا است.

شاهد سوم: «رحمت الله» و «بقیت الله»

شاگرد: اخباری که در مورد نگارش «تابوت» دارند را چطور توجیه می‌کنید؟ طبق اینکه کدام شهر چطور می‌خوانند و چطور بنویسیم را چطور توجیه می‌کنید؟

استاد:بله، من «رحمت الله» را بگویم تا «تابوت» معلوم شود. الآن هر کسی که آیه «فَانْظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ[1]» را می‌بیند، آیا دیده کسی «رَحمَةِ الله» بخواند؟! ندیده اید. شنیده‌اید یا نشنیده‌اید؟! نه. احتمال می‌دهید که در طول تاریخ کسی «رحمه الله» بخواند؟! نه. خب چرا اسخ به تاء نوشته؟ مثلاً در «يَوْمَ الْقِيامَةِ» چرا به «ة» نوشته است؟ یا در «بقیت الله» چرا با تاء نوشته است؟ همین «تابوت» تاء کشیده است. در «یوم القیامة» عند الوصل احدی دیده‌اید که «یوم القیامه» بخواند؟! نه، ولی چرا اسخ به «ة» نوشته است؟ رمزش این است که اسخ مراعات وقف را می‌کرده و می گفته خودتان می‌دانید که باید با «تاء» بخوانید لذا من «تاء» نمی نویسم. من برای وقتی که مهم است و برای وقتی که بخوانید «الی یوم القیامه» با «ه» نوشته ام. یعنی برای تبیین حال وقف اینطور نوشتم، چون هیچ عرب و حتی غیر عرب آشنا به عرب، «یوم القیامة» را وقتی کسره بدهد «ه» نمی‌خواند، اما برای مراعات حال وقف «ة» نوشته شده است.

خب در «تابوت» و «آثار رحمت الله» چطور است؟ نکته همین مراعات وقف است. زید بن ثابت که جزء قراء مدینه بود، وقتی «تابوت» را وقف می‌کردند در لسان خودشان می‌گفتند «التابوه». در «بقیت الله» روی «بقیت» وقف می‌کرد می‌گفت «بقیه». وقتی وصل می‌کرد می‌گفت «بقیت الله» اما وقتی وقف می‌کرد می‌گفت «بقیه». کما اینکه ما اینطور هستیم. اما لسان قریش به این صورت بود که وقتی وقف می‌کرد می‌گفت «بقیت». وقتی قریش وقف می‌کرد روی «ت» وقف می‌کردند؛ «رحمت». لذا وقتی اختلاف شد گفت «اکتبوا علی لسان قریش»، نگفت «اکتبوا علی کتابة قریش». در جاهای دیگر قریش و شما متفق هستید که وقتی وقف می‌کنیم می‌گوییم «یوم القیامه»، خب اسخ «ه» می‌نویسد، مراعات للوقف». وقت وصل هم که خودتان «ت» می‌خوانید. اما درجایی‌که بین قریش و آنها اختلاف می‌شد می‌گفتند «اکتبوها علی لسان قریش». البته باید به آن چه که الآن عرض کردم مراجعه شود. در قرائات و حالات وقفش. من الآن این را از روی اعتبار رسم گفتم. نه از مراجعه به کتابی مثل النشر. ان شالله مراجعه هم می‌کنم و عرض می‌کنم.

---

[1]الروم : ۵۰